

بعضی از شور و اشتیاق‌ها لذت آفرین و در عین حال به همان اندازه دشوارند. زمانی با این دشواری‌ها مواجه می‌شویم که قصد داریم آن‌ها را با تازه‌کارانی که خیرشان را می‌خواهیم شریک شویم. از آن جمله است: اپرا (پنهان نمی‌کنیم که احتمالاً بار اول حوصله‌مان سر رفته است)، شراب قرمز بورگونی (که البته به ندرت مورد قبول مشتریان همیشگی شراب بوردو واقع می‌شود)، تئاتر کابوکی (اقرار کنیم که توجه‌مان را جلب نکرده است)، خطابه‌های مذهبی (که البته برای برانگیخته شدن احساسات باید آثار ماسیون، فلیشه و بوسه را با صدای بلند خواند)، تخم مرغ‌هایی که هنوز گرمای بدن مرغ را دارند (جایی که ما هستیم، گاهی سعی می‌کنیم کمی از آن را مزه کنیم و همیشه حالت صورت‌مان در حین خوردن کوچک و بزرگ را به خنده وامی‌دارد). و نمونه‌ی دیگر این اشتیاق‌ها: پروست. به طور حتم تعداد زیادی از خوانندگان این مجله نیازی ندارند که متقاعد به خواندن یا دوباره خواندن در جست و جوی زمان از دست رفته شوند. اما روی صحبت ما با دیگرانی ست که هیچ‌گاه جرئت نیافته‌اند در این کتاب غرق شوند و یا پس از چند بار مبادرت به خواندن، از آن فاصله گرفته و یا مایوس شده‌اند. ابتدا به بررسی دو پیش‌دواری محکم می‌پردازیم که ممکن است ما را از خواندن آثار پروست منصرف کند.

— آیا پروست نویسنده‌ی جامعه اشرافی و تصویرگر ارزشمند ثروتمندان و مرفهین «عصر طلایی» است؟ مسلماً همین‌طور است. آثار وی اغلب ما را با خود به سالن‌های فوبور سن ژرمن

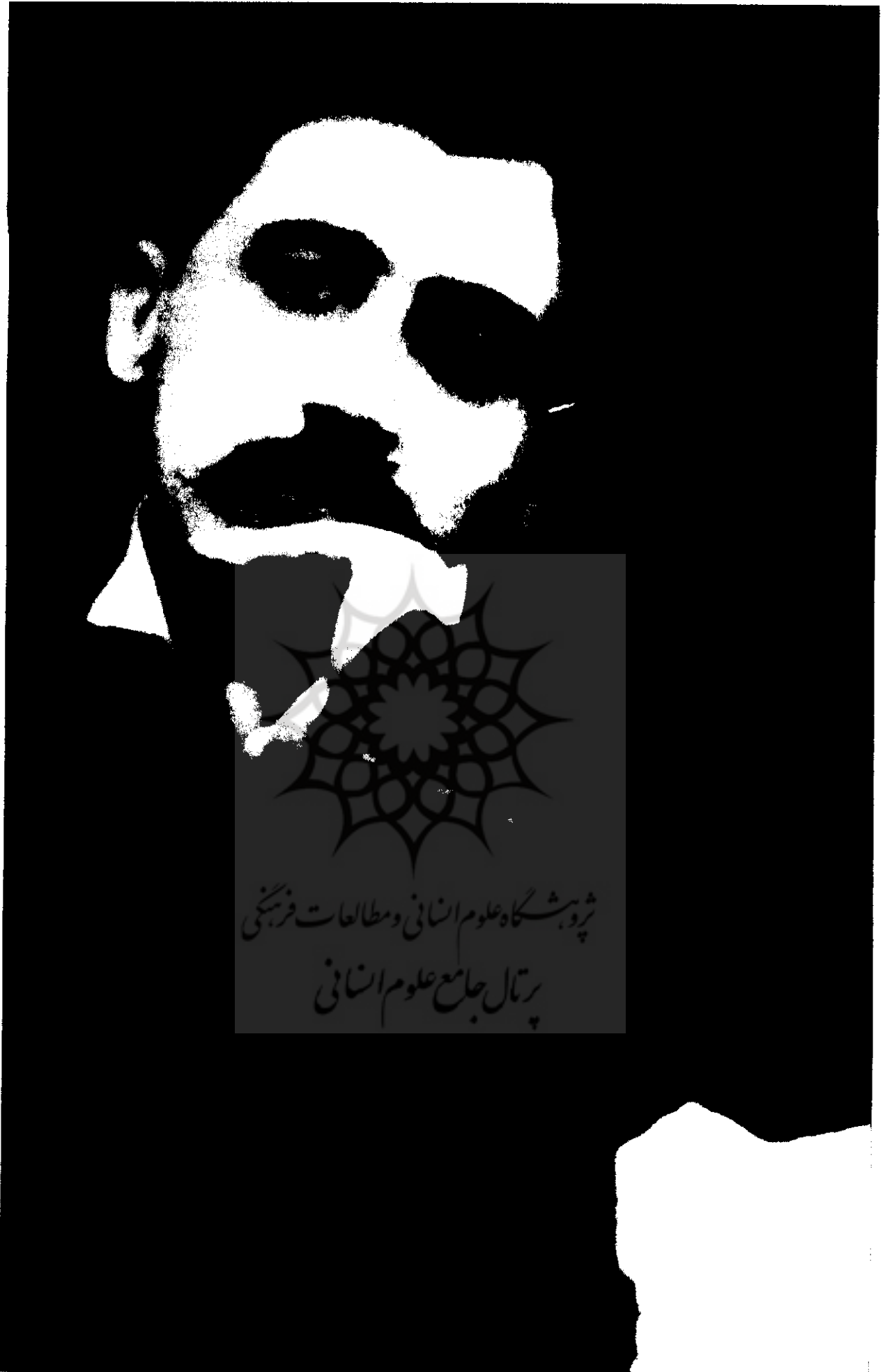


● فرانسوا لور

می برد اما قطعاً این برای آن است که ما عمومیت شور و اشتیاق انسانی را درک کنیم. پروست به ما نشان می دهد که دوشس ها و خدمت کاران، دوک ها و درشکه چیان، سفیران و غلام بچه هایشان، زنان بزرگ بورژوا و زنان انظارفتچی، براساس مکانیسم های یکسانی زندگی می کنند و تنها تفاوت آن ها در شیوه ی پنهان یا ابراز کردن این مکانیسم ها و در تواضع یا خود بزرگ بینی در مورد ایده آلشان از خوش بختی است.

اندکند نویسندگانی که مسحور محافل سطح بالا باشند و در عین حال آن را با روشن بینی هم تراز و نیز همراه طنز در نظر بگیرند. پروست و داروین هم سنگرند. آن ها گواهی می دهند که مردان و زنان، از هر طبقه اجتماعی و با هر رنگ پوستی، با احساسات مشابهی برانگیخته می شوند.

— آیا پروست خالق جملات پیچیده و طولانی است؟ برخلاف بسیاری از رمان نویسان و نویسندگان که حقارت ایده ها و ضعف حساسیت هایشان را با ترفندهای بی مورد، تکلف کلام و یا سادگی ساختگی می پوشانند، طولانی بودن بعضی از جملات پروست تنها برای آن است که ما را در پیچ و خم ذهنی پیچیده با خود همراه سازد و مطلقاً در پی گیج یا مبهوت کردن خواننده نیست. چنان که در جاهای دیگری استادی وی در ایجاز، که همواره در خدمت احساس است، آشکار می شود. پیش داوری ها را کنار بگذاریم. عده ای می گویند بسیار خوب اما واقعاً برای چه



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پروست بخوانیم؟ مسلماً برای آن که وی با شما، از خود شما می‌گوید. مارسل کودک، این روان درمان گر قابل، هیجانانگیز، احساسات و افکاری را بر شما آشکار می‌سازد که از آن خود شماست اما شما هیچ گاه ندانسته‌اید و نخواسته‌اید که از آن‌ها استفاده و یا آن‌ها را بیان کنید. هر که عاشق شده باشد، وجود گران بهایی را از دست داده باشد، دغدغهی مورد ارزیابی قرار گرفتن داشته باشد، از طرد شدن ترسیده باشد، از شدت لذت و خوشی سرمست شده باشد، پشیمانی را تجربه کرده باشد، شکوه و عظمت خود را خیال بافی کرده باشد و به طور کلی فراموش کرده باشد، خیال بافی کرده باشد و پیر شده باشد، در کتاب جستجو به صفحاتی برمی‌خورد که برایش ملموسند و کاملاً مربوط به خود اوست. هم چنین در حین خواندن کتاب، طرح قوانین پایه و اساسی از علم شناخت و یا از روان‌شناختی اجتماعی مشاهده می‌شود که تحقیقات علمی در خصوص آن‌ها سال‌ها بعد ارائه شده است. اما پروست را نه با تحلیل کردنش بلکه به خاطر برانگیختن شادی و شعفی که وی موجب آن است ستایش می‌کنیم.

و نکته آخر: پروست، در اولین قسمت از اولین کتاب خود تحت عنوان طرف خانه‌ی سوان صفحاتی را به طور دقیق و موشکافانه به رؤیا، حافظه، خواب و به طور کلی مشکل‌ترین مطالب اختصاص داده است بدون آن که چنان که مرسوم است از هنر طنز استفاده کند و کتاب را با تکان دهنده‌ترین جمله و یا با دراماتیک‌ترین صحنه آغاز نماید. خواندن را در قسمت دوم پی می‌گیریم: عشق سوان. داستان مردی که باور ندارد عاشق زنی ست اما هنگامی که زن از وی دور می‌شود، مرد دیوانه‌ی زن می‌گردد. صحبت از بورژواهایی ست که برای بزرگ جلوه دادن خود، تظاهر به دوست داشتن هنر می‌کنند. صحبت از قدرت حسادت است، آرزوهای ناکام و صحبت از خود شماست.

(مجله لیر تابستان ۲۰۰۵)